

یک سونظامیان ضمن این که ذیل سیاست تعریف می‌شوند استقلال و تشخیص خود را داشته باشند و شاید به همین خاطر بعد از جنگ ۱۲ روزه کمتر شاهد اظهارنظرهای تریبونی و علنی نظامیان هستیم و سخنان محسن رضایی و فرماندهان پیشین رسمیت مواضع فرماندهان شهید مانند سرداران سلامی و باقری و حاجی‌زاده ورشید را ندارد. یک حدس دیگر این است که ساختار درصدد چاره جویی برای نفوذ است و شاید لازم باشد جلسات فرماندهان عالی نظامی در دایره‌های بسته‌تر تشکیل شودو نتیجه در شورای عالی امنیت ملی به بحث گذاشته شود و شاید یکی از دلایل ضربه‌پذیری و لو رفتن بر خی قرارهاو جلسات همین پرشمار بودن باشد.

با این همه در مجموعه پیش گفته و آنچه مربوط به قبل از پررنگ شدن نقش هاشمی‌رفسنجانی در جنگ است اشارات به شورای عالی دفاع فراوان است. از جلسه‌ای که شورای عالی دفاع در حضور امام در ۲۲ مرداد ۱۳۶۰ تشکیل شدو از رکوددر جبهه‌ها انتقاد کردند تا موارد دیگر که به مرور و از زمان ورود مستقیم او به فرماندهی کمرنگ شد.

▼ دو مصوبهٔ فراموش شده

بحث‌انگیزترین تصمیم شورای عالی دفاع سه مصوبهٔ آن در آذر ۱۳۶۶ بود که دو فقرهٔ آن اجرا نشد و به سرعت هم فراموش شدو سومی اگرچه اجرا شد اما اثرات مورد نظر را نداشت.

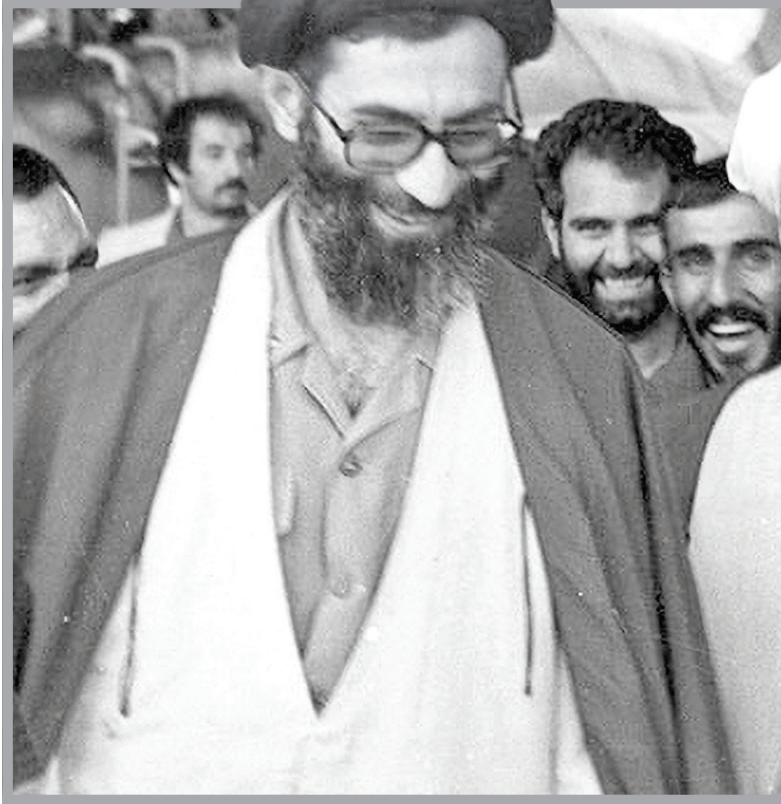
نخست این که زهر ایرانی بالای ۱۸ سال ۲۰ هزار تومان (بله همین ۲۰ هزار تومان) دریافت شود تا برای جنگ صرف کنند.

دوم این که از کسانی که مجموع کل دارایی و ثروت‌شان ۱۰ میلیون تومان به بالا (بله ۱۰ میلیون تومان!) است مالیات ویژه‌ای اخذ شود.

سوم این که معافیت تحصیلی دانش‌جویان ترم آخر ملغی و بعد از آموزش نظامی به جبهه‌ها اعزام شوند.

دو فقره اول اجرا نشد و ولی سومی را اجرا کردند و حتی ۱۰۰۰ دانشجوی غایب در ترم ۶۷-۶۶ در تابستان ۶۷ به خدمت سربازی اعزام شدند در حالی که در تیرماه با قبول آتش بس جنگ تمام شده بود!

در تاریخ شورای عالی دفاع شاید هیچ‌یک از مصوبات آن به اندازهٔ دو فقرهٔ اول سروصدا نکرد اما به اندازهٔ چند ساعت و به سرعت از بخش‌های خبری حذف و مسکوت گذاشته شد. این که قطعنامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در یک سال آخر جنگ در این شورا به بحث جدی گذاشته نشد یا با آن مخالفت شد ولی با استناد به مصوبه شورا پذیرفته نشد نشان می‌دهد آن شورا هرگز جایگاه شورای عالی امنیت ملی در حال حاضر را نداشته است چندان که اگر شورای عالی امنیت ملی در آن زمان موجودیت داشت قطعاً قبول قطعنامه به آن نسبت داده می‌شد حال آن که طی سال‌های بعد در توضیحات



است بر این که فراتر از شورای عالی دفاع فعالیت می‌کرده است.

جای دیگر هم پای شورای عالی دفاع را این گونه به میان می‌آورد: «در آغاز با اعضای شورای عالی دفاع به خصوص آیت‌الله خامنه‌ای، شهید ر جایی، شهید چمران و حاج احمد آقا کار می‌کردم. در دوران فرماندهی هم علاوه بر مسئولان عالی‌رتبه ارتش و سپاه با آقایان حسن روحانی و کمال خرازی و دیگران ارتباط کاری داشتم.»

▼ فرماندهان فراتر از شورا

این اشارات از این روست تا یادآوری شود نه آیت‌الله خامنه‌ای و نه‌هاشمی‌رفسنجانی موقعیت خود در جنگ و فرماندهی و هدایت آن را از شورای عالی دفاع نگرفته بودند و مستقیماً با احکامی که از امام دریافت کرده بودند اعمال مدیریت می‌کردند و شاید به خاطر همین ابهام در موقعیت و جایگاه شورای عالی دفاع بود که در بازنگری قانون اساسی این شورا هم یکی از شوراهایی شد که مشمول حذف قرار گرفت. مانند شورای عالی قضایی یا شورای سرپرستی صدا و سیما و حتی شورای رهبری و به جای این سومی تنها شورای موقت رهبری در فاصلهٔ عزل، استعفا یا درگذشت تا تعیین رهبر جدید پیش‌بینی شده است.

▼ شوراهای تازه بعد از حذف قبلی‌ها

از شگفتی‌های دوران ما اما این است که بازنگری با هدف حذف شوراهای عالی و متمرکز ساختن ادارهٔ امور بود و اکنون انواع شوراهای عالی چون فضای مجازی و انقلاب فرهنگی و هماهنگی اقتصادی سران قوا عهده‌دار ادارهٔ امور و گاه قانون‌گذاری اندوگانه شورای عالی که در قانون اساسی جدید به تفصیل و مستقل‌ار یک فصل و اصل به آن پرداخته شده، شورای عالی امنیت ملی است که هر چند در جای شورای عالی دفاع قبلی نشست اما تنها صیغهٔ نظامی ندارد و یک ۶ ضلعی است: اقتصاد (رئیس سازمان برنامه و بودجه)، امنیت داخلی (وزیر کشور)، امنیت خارجی (اطلاعات)، دیپلماسی (وزیر خارجه)، نیروهای مسلح (رئیس ستاد) و نمایندگان رهبری. مشخص است که شورای عالی امنیت ملی مانند شورای عالی دفاع رنگ و بوی نظامی نداشت و ندارد اما برای امور مهم نظامی هم تصمیم می‌گیرد هر چند حسب مورد فرماندهان ارتش و سپاه هم در آن شرکت می‌کردند و البته ۶ ضلعی یادشده ذیل رئیس‌ان سه قوه تعریف شده است.

▼ کابینه و کابینت؟

اگر شورای عالی امنیت ملی را به کابینه تشبیه کنیم می‌توان این گونه تشبیه کرد که قرار است شورای دفاع کابینتی درون آن باشد. اصطلاح اخیر (کابینت درون کابینه) را البته بیشتر محمود شمس روزنامه‌نگار پرسابقه به کار می‌برد و از زبان دیگری شنیده‌ام و نمی‌دانم از پرساخته‌های ژورنالیستیک اوست یا در عالم واقع هم به کار می‌رود و به لحاظ زبان‌شناسی درست است یا نه ولی از قراین پیداست شورای دفاع درون یا ذیل شورای عالی امنیت ملی شکل خواهد گرفت تا از



پرهزینه و بی‌فایده‌ای است که جرأت فکر کردن ندارد؛ چه برسد به مخالفت و در برابر سیلاب نفوذ ایستادن. نمی‌دانم آنچه در جریان این لایحه رخ داد، ناشی از سیاست غریزی و ساده‌سازی مسئله پیچیده نفوذ از سوی بزرگان و سران قوا بود که به‌جای وفاق برای ایران، به وفاق برای ایرانیان روی آوردند یا آنکه دست‌نخست نفوذی‌ها و خروجی دولت بی‌کیفیت را توشیح کردند. هر کدام باشد، نتیجه فرق نمی‌کند. خروجی سیاست غریزی و نقشه نفوذی یکی است. شکافی که با جنگ کمی رفو شده بود، بدتر از قبل بازمی‌گردد. ایران گامی دیگر به سوی تنها شدن از درون برمی‌دارد. پزشک‌یکان به سهم خود، کوشید از بیراهه برگردد. دیگران هم با او همراه می‌شوند یا دور می‌ایستند و به اومی‌خندند؟ شاید شاد باشند که سکن روی یخ شد. اما این، فقط نوک کوه یخ است. اگر صورت‌زیرین را ببینید و ببیندینمید؛ دیگر نمی‌خندید...

مختلف دربارهٔ آن نشنیده‌ایم به شورای عالی دفاع نسبت داده شود. با این مقدمات و تفصیلات اگر قرار بر احیای شورای دفاع باشد اولاً با شورای عالی دفاع سابق متفاوت خواهد بود. ثانیاً به قاعده باید ساختار آن ذیل شورای عالی امنیت ملی تعریف شود. ثالثاً اگر دبیری شورا بر عهده علی لاریجانی قرار گیرد نسیمی از میانه‌روی بار دیگر وزین خواهد گرفت. فراموش نکنیم اصطلاح «خالص‌سازی» دربارهٔ روند حذفی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ را علی لاریجانی یک سال بعد از روی کار آمدن مرحوم ابراهیم رئیسی و در نفی کاندیدان‌توری مجلس به کار برد و حالا هم او در حالی به سطح اول بازمی‌گردد که نظامیان بیش از پیش هماهنگ خواهند بود. تحقق این گزاره‌ها منوط به شرط تبعیت شورای دفاع از شورای عالی امنیت ملی است و اگر قرار باشد شورای عالی دیگری شکل گیرد داستان متفاوت خواهد بود.

یادمان باشد حکم دبیری شورای عالی امنیت ملی را رئیس جمهوری امضای کند و اگر چه بی تأیید رهبری اتفاق نمی‌افتد اما به هر رو ذیل رئیس جمهوری باید فعالیت کند. تأخیر در امضا شاید به خاطر دو تجربه ناخوشایند باشد. یکی رابطهٔ احمدی‌نژاد و همین آقای لاریجانی درست ۲۰ سال قبل و وقتی قرار شد جای حسن روحانی بنشینند و چندان دوام نیاورد و سعید جلیلی به جای لاریجانی آمد. دیگری رابطهٔ حسن روحانی که خود تجربهٔ ۱۶ سال دبیری شورای عالی را داشت و رابطهٔ او با علی شمشخانی که فراز و نشیب داشت و بعد از آن که دبیر خانهٔ شورا از مصوبهٔ اقدامات راهبردی در سال ۹۹ حمایت کرد شرک‌آب شد و طبعاً نه پزشک‌یکان نه لاریجانی مایل به تکرار آن دو نیستند و نه پزشک‌یکان احمدی‌نژاد است نه لاریجانی آرمان جوی ۲۰ سال قبل است که توافق سعدآباد را مبادلهٔ دُر یتیم با آب‌نبات می‌دانست.

▼ رئیس‌جمهور و نظامیان

جان کلام این که چه شورای دفاع ذیل شورای عالی امنیت ملی تعریف شود چه شامخ‌ای از آن باشد و چه مستقل‌آیا به ساختار بگذارد یا رئیس مستقیم آن رئیس جمهوری خواهد بود یا منصوب اوست و این برای رادیکال‌هایی که پزشک‌یکان را تنها مسؤول نان و آب و برق و گاز می‌خواستند تا کاسه کوزه‌ها را بر سر او بشکنند مطلوب نیست و دیدیم وقتی تصمیم گرفت لایحه جنجالی مقابله با محتوای خلاف واقع را پس بگیرد چگونه خشم گرفتند و بر او ناخندند و مدعی شدند چنین حقی ندارد و اتفاقاً این لحن او را مصمم‌تر کرد.

با این نگاه شاید تشکیل شورای دفاع کمک کند رئیس‌جمهور جز آن که رئیس دولت (به مثابه نخست‌وزیر) و رئیس قوه اجرایی است رئیس «جمهوری» هم باشد. هر چند که این صدا را نخست باید از صداوسیما شنید.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پراید صبا (جی تی ایکس) مدل ۱۳۷۸ رنگ خاکستری دودی روغنی شماره موتور ۰۵۰۳۰۸۸ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۸۵۸۳۲۰۹ شماره پلاک ۶۹ ایران ۱۴۴ ط ۴۱ به نام مهرداد آدینه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پراید سایپا ۱۳۱۴ی مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید شیرازی روغنی شماره موتور ۰۵۷۲۲۹۵۴ شماره شاسی ۱۴۸۲۲۸۳۱۰۷۸۹۷S شماره پلاک ۳۶ ایران ۶۷۵ ج ۳۸ به نام حمید دادیان طوفال مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۸ رنگ سفید روغنی شماره موتور ۱۱۵۲۷۷۹۱۸۹Y شماره شاسی ۷۸۴۰۰۸۷۳ شماره پلاک ۹۶ ایران ۷۶۹ ج ۳۷ به نام علی عابدینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی وانت نیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۶ رنگ سفید روغنی شماره موتور ۰۶۷۳۶۱۵۷۶۰۸ شماره شاسی ۰۵۷۶۹۱۶۴۸۳ شماره پلاک ۸۳ ایران ۱۸۳ ه ۳۴ به نام احمد رضا کربلایی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ رنگ سفید روغنی شماره موتور ۰۶۴۳۶۱۱۲۸۰۰۶ شماره شاسی ۰۸۰۰۴۲۶۷۱۴ شماره پلاک ۹۶ ایران ۸۸۶ ج ۵۹ به نام علی میان آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سیاستمداران



این زبان حقوق و داوری است؟

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی در واکنش به پاسخ سخنگوی شورای نگهبان دربارهٔ تشکیل مجلس موسسان و پیشنهادمیر حسین موسوی نوشت: «آقای طحان نظیف که از حقوق‌دانان شوروی نگهبان است، گفته است: «از کجا معلوم به نتیجه‌اش پایبند باشند و این بار نتیجه را بپذیرند؟... کسانی که در یک انتخابات معمولی به قانون تمکین نکردند و حتی به پیشنهادات خودشان در آن زمان پایبند نبودند حالا حرف از برگزاری referendum می‌زنند.» این نوع حرف زدن و احتجاج کردن زبان حال یک حقوق‌دان شورای نگهبان است یا رهبر یک حزب سیاسی رقیب؟» وی ادامه داد: «در واقع ریشه اصلی مشکلاتی که در سال ۸۸ پیش آمد و همچنان هم ادامه دارد، همین تداخل رقابت سیاسی در امر حقوقی است آن هم در نهادهای که بنا به جایگاه داوری محور خود باید در برابر رقابت‌های سیاسی ص‌در صد بی طرف باشد و از موضع‌گیری له یا علیه نیروهای سیاسی چنان فرار کند که گویی از وبا فرار می‌کند!» زیدآبادی تأکید کرد: «در حقیقت، آقای نظیف با این لحن سیاسی، به جای طعنه زدن به میر حسین، ناخواسته حق را به جانب او داده است!»



باید تمرکز نظام رفع شکاف دولت – ملت باشد

محسن آر‌مین، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «اسرائیل به‌وضوح بر وقوع اعتراضات خیابانی در ایران حساب باز کرده بود و حتی در رسانه‌ها، مردم را به حضور در خیابان‌ها دعوت می‌کرد، به‌نوعی، راهبردر روانی و تبلیغاتی جنگ نیز به‌گونه‌ای طراحی شده بود که زمینه‌ساز شورش‌های داخلی باشد.» آر‌مین ادامه داد: «با این حال، هدف اصلی اسررائیل تغییر رژیم در ایران نیست؛ زیرا شواهد کافی نشان می‌دهد چنین تغییری در شرایط‌فعلی ممکن نیست. نه‌الترناتیو قدرتمند و منسجمی وجود دارد که بتواند جایگزین نظام فعلی شود، و نه‌بستر اجتماعی لازم برای این تغییر مهیاست.» وی گفت: «بر خلاف اروپا و آمریکا، اسررائیل به‌صورت راهبردی به‌دنبال فروپاشی و تجزیه ایران است. البته در جنگ اخیر، به دلیل محدودیت‌های عینی، امکان تحقق این هدف فراهم نبود، اما جهت‌گیری کلی و راهبرد اسررائیل همچنان بر این محور استوار است.» او افزود: «ما در راهبردهای منطقه‌ای خود، ارزیابی دقیقی از میزان توان ملی برای به‌هم‌زدن توازن موجود در منطقه نداشتیم. بنابراین این راهبردهای منطقه‌ای و همین‌طور سیاست‌های جهانی ما در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی، ایران را به این نقطه‌رساند.» وی با اشاره به شرایط پس از پایان درگیری‌ها تصریح کرد: «اکنون نیز اگر بخواهیم این جنگ ادامه پیدا نکند یا اسررائیل که آمریکا و هم‌پیمانانش پشت سر آن ایستاده‌اند به اهداف خود نرسد، طبیعتاً باید در سیاست‌های خودمان، هم در داخل و هم در عرصه خارجی و دیپلماسی، تجدیدنظر کنیم.» آر‌مین گفت: «بعد از جنگ، ایران در وضعیتی معقل به‌سر می‌برد؛ یعنی آتش بس اعلام شده اما فضای جنگ همچنان پابرجاست و احتمال ازسرگیری آن مطرح است. این وضعیت برای کشور مناسب نیست؛ زیرا به حاکم شدن نوعی تعلیق و ابهام می‌انجامد و همه فعالیت‌ها ر تحت‌تأثیر چنین احتمالی متوقف می‌کند.» وی افزود: «حسی از همبستگی و میهن‌دوستی که از عمیق‌ترین لایه‌های جامعه بسیار سریع سربرآورد، اتحاد و انسجام ملی قابل توجهی ایجاد کرد. این وضعیت باید تقویت شود، حاکمیت باید در قبال این فرصت مغتنم که البته پایدار نیست‌ومی‌تواند خیلی‌زودگذر باشد، به دنبال پایدار شدن این شرایط باشد.» آر‌مین تأکید کرد: «حاکمیت در قبال این فرصت استثنایی مسئولیت‌های بسیار سنگینی دارد و باید تلاش کند این شرایط را پایدار سازد. باید علل و عوامل بروز این جنگ را ارزیابی کنیم. اگر واقعاً همه متفق‌القول هستیم که یکی از انگیزه‌های اسررائیل در این جنگ، حساب‌کردن روی شکاف بین دولت و ملت بوده، این نتیجه‌گیری کاملاً منطقی و روشن است که باید تمام توجه و تمرکز نظام در سیاست داخلی معطوف به رفع این شکاف باشد.»